

مرتضی عبدالحسینی

روزنامه‌نگار

هفته پیش گشایش اقتصادی با طرخی که کلیات و جزئیات آن مشخص نبود ازسوی رئیس جمهور به مردم وعده داده شد. با وجود همه گمانه‌زنی‌ها، در روزهای گذشته و با اظهارنظر دولت و مجلسی‌ها مشخص شد؛ طرخی که دولت در جلسه مذکور به‌دنبال تصویب آن است و وعده گشایش اقتصادی با اجرای آن را به مردم داده، طرح فروش اوراق نفت به‌روش سلف موازی است. به بیان ساده‌تر و براساس آخرین اطلاعات مطرح شده، دولت می‌خواهد ۲۲۰ میلیون بشکه نفت را که معادل ۶۰۰ هزار بشکه در روز است، در قالب اوراق سلف و طریق قیمت ارز در سامانه سنا به خریداران بفروشد و پس از دوسال اقدام به باز خرید اوراق براساس قیمت روز نفت از دارندگان اوراق کند. در این بین، خریداران نیز در بازاری به‌نام سلف موازی همانند بازار سهام می‌توانند به‌معامله این اوراق در طول این دوسال بپردازند. اما بعد از تصمیم‌ی‌چنانچه دولت و اعلام عجولانه طرح گشایش اقتصادی ازسوی رئیس جمهور، حالا در کنار مجلس که مخالف بخش عمده‌ای از مفاد طرح دولت بوده و می‌گوید دولت نباید تعهدات خود را به دولت‌های آینده موکول کند و اگر قرار است نفت بفروشد، باید از طریق رونق بورس انرژی و فروش نفت و میعانات نفتی از طریق قراردادهای آتی اقدام کند، کارشناسان و حتی نمایندگان ادوار مجلس هم نسبت به پیامدهای احتمالی طرح در سال آتی هشدار داده‌اند.

در این گزارش به ابعاد مختلف این موضوع پرداخته‌ایم. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد: ۱- اگر پولی بودن تورم اخیر در کشور را بپذیریم و نقدینگی بالا را عاملی برای وجود تورم بدانیم، این طرح ابزار خوبی برای جمع‌آوری نقدینگی محسوب خواهد شد. ۲- آنچه در ایجاد بدهی برای یک دولت اهمیت دارد، نحوه تامین و نحوه هزینه کردن آن خواهد بود. دولت‌های توسعه‌یافته‌ای چون ژاپن، آمریکا و... بیش از ۱۳۰ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را بدهی ایجاد کرده‌اند، اما شروط لازم برای تامین و خرج آن را رعایت کرده‌اند. یقیناً تامین مالی از طریق اوراق اقدام مناسب محسوب شده، چراکه منجر به پولی شدن کسری بودجه لااقل در مقطع کنونی نخواهد شد، اما اینکه ۱۹۰ هزار میلیارد تا مین مالی دولت از این طرح (براساس برآوردها) در مسیر چه مخابری قرار خواهد گرفت، دیوار بزرگی در برابر موفقیت طرح قرار می‌دهد. ۳- آمارهای مختلف و عجیب‌وغریبی از بدهی دولت از طریق اوراق مطرح شده که حتی یکی از نمایندگان ادوار مجلس شورای اسلامی این میزان را ۱۴۴۰ هزار میلیارد تومان (۲/۵ برابر بودجه عمومی سال ۹۹) ذکر کرده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد ۹ درصد از کل بدهی دولت تا پایان سال ۹۸ از محل انتشار اوراق بوده، نسبتی که در سال‌های ۹۶ و ۹۵ نیز همین مقدار را ثبت کرده است. از سوی دیگر با توجه به آن‌که نسبت بدهی دولت به تولید ناخالص داخلی حدود ۳۰ درصد است یا در نظر گرفتن تولید ناخالص داخلی ۲۵۰ هزار میلیارد تومانی، می‌توان کل بدهی دولت را در حدود ۷۶۸ هزار میلیارد در سال جاری تخمین و از طرفی بدهی دولتی از محل اوراق را نیز تا پایان سال ۱۳۹۸، حدود ۵۰ هزار میلیارد تومان برآورد کرد. بنابراین با این اوصاف بدهی ۱۴۴۰ هزار میلیارد تومانی دولت از مسیر اوراق فاقد صحت آماری است. ۴- با توجه به سررسیدهای بلندمدت دوساله، دهی ایجاد شده از این طرح به دولت بعدی موکول خواهد شد. ۵- دولت باید به‌طور مفصل مفاد طرح از شفاف‌سازی کند، چراکه اگر همانند آزادسازی سهام عدالت ابهاماتی در مورد سازوکار آن باقی بماند، یقیناً با عدم استقبال مردم مواجه خواهد شد. ۶- موضوع مهم این است که این منابع به‌مخارج سرمایه‌گذاری تبدیل شود و مجلس اجازه ورود این منابع به بودجه جاری را ندهد. ۷- اگر معادله‌ای برای فروش و صادرات نفت در سال‌های آینده وجود نداشته باشد، با ادامه روند فعلی فروش نفت (فروش روزانه ۳۰۰ هزار بشکه)، دولت بعدی مشکلات زیادی برای تامین تعهدات اصل و سود فروش اوراق سلف نفتی خواهد داشت.

**طرح پیش فروش نفت چیست؟**

بعد از پیش فروش خودرو، مسکن و سسکه، حالا نوبت به پیش فروش کاغذی نفت هم رسیده است. براساس آنچه اعلام شده دولت قصد دارد عرضه اوراق سلف نفتی را در دستور کار خود قرار دهد. شیوه کار در این طرح این گونه است که دولت بخشی از نفت تولیدی خود را بر پایه قیمت نفت و دلار در مقطع کنونی به‌صورت حواله‌ای پیش‌فروش می‌کند. در مقابل خریداران معادل سفارش خرید، دلار یا سکه یا حتی ریال به دولت می‌پردازند و دولت هم تعهد می‌دهد در دوسال آینده برپایه قیمت نفت و دلار، نفت پیش‌فروش شده را مجدداً بازخورد کند. در این خصوص نظرات مختلفی مطرح شده که هرکدام از آنها نیازمند بحث‌های کارشناسی است، به‌عنوان مثال اگر قرار باشد دولت به‌ازای پیش‌فروش نفت از مردم دلار یا سکه طلب کند، هیچ استقبالی از آن نخواهد شد. از طرف دیگر قیمت اوراق سلفی که قرار است در دسترس همگان قرار گیرد یا باید بر مبنای ریال یا ارز نیماپی باشد. بر همین اساس از آنجا که گفته می‌شود بخشی از این اوراق مابه‌ازای ریال عرضه خواهد

شد و بخش دیگری در برابر دلار باید مشخص باشد که چه تفاوت و مزیت‌هایی برای خریداران حقیقی و حقوقی دلاری نسبت به ریالی وجود دارد و چگونه می‌توان انتظار داشت تخمین دلاری دولت از این طرح تامین شود؟

**سازوکار انتشار اوراق: سلف موازی است**

در حال حاضر در بورس کالای ایران، محصولات مختلف در قالب قراردادهای سلف ساختاریافته برای بازه‌های زمانی مختلف با نظر تولیدکننده در دوره‌های زمانی منظم و با توجه به سیاست‌های فروش آنها ارائه می‌شوند. به‌طور کلی این قرارداد در بازار بورس نوعی قرارداد است که در آن بین خریدار و فروشنده توافق می‌شود که مقدار کالای مشخصی در تاریخی که بین دو طرف توافق‌شده ردوبل شود و فروشنده کالا را به خریدار در آن زمان تحویل دهد. کل مبلغ معامله و قیمت کالا در روز عقد قرارداد تعیین و تمامی آن توسط خریدار پرداخت می‌شود. این قرارداد از جنبه‌های مختلفی برای فروشنده سودآور است، زیرا میزان سرمایه اولیه را برای تولید کالا توسط این قراردادها تامین کرده است و در چرخه تولید عملیات سریع‌تر انجام می‌شود. از طرفی خریدار به امید اینکه کالا در آینده قیمت مناسبی در بازار خواهد داشت و می‌تواند از طریق این قرارداد به سود خوبی دست یابد، در آن سرمایه‌گذاری می‌کند. معمولاً خریدار امید دارد که قیمت کالای خریداری‌شده در آینده بالا برود. از زمان شروع به فعالیت سازمان کارگزاران بورس فلزات تهران قراردادهای سلف روی انواع فلزات مورد معامله قرار گرفته و تولیدکنندگان این کالاها به‌دفعات از آن برای تامین مالی خود استفاده کرده‌اند. در حال حاضر نیز این قراردادها از محبوبیت خاصی در بین تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان برخوردار است، اما گروه محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی سهم کمتری نسبت به دیگر کالاها را در کل معاملات به‌خود اختصاص داده‌اند. قراردادهای سلف به این شکل از نقدشوندگی پایینی برخوردار است و به‌همین دلیل عمده خریداران در بازار سلف بورس کالای ایران مصرف‌کنندگان واقعی کالاها فروخته‌شده‌اند و نبود بازار ثانویه تا مدت‌ها دیوار بزرگی در برابر اقبال مصرف‌کنندگان به این بازار بوده، چراکه آنها تا موعد سررسید تحویل کالا حتی در صورت الزام هم نمی‌توانستند اوراق خود را به کسی دیگر بفروشند و نقدینگی خود را تامین کنند. برای رفع این مشکل در معاملات سلف، نوآوری جدیدی در بازار سرمایه تحت عنوان قراردادهای «سلف موازی» مطرح شده است. این ابزار علاوه بر اینکه برای تولیدکنندگان کالاها امکان تامین مالی فراهم می‌آورد، یک ابزار سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار کالایی برای سرمایه‌گذاران نیز به‌شمار می‌رود. در طول دوره معاملاتی قرارداد، خریدار سلف اول می‌تواند برای فروش دارایی پایه به میزان خریداری‌شده در قرارداد سلف اول به شخص دیگری در قالب یک قرارداد سلف ثانویه اقدام کند. این قرارداد سلف ثانویه را سلف موازی می‌گویند. این فرایند می‌تواند به‌همین صورت ادامه یابد و خریدار سلف دوم نیز در قالب یک معامله سلف دیگر آن را به فرد دیگری بفروشد. به‌این‌ترتیب معاملات ثانویه سلف شکل می‌گیرد. طرح پیش‌فروش اوراق نفتی توسط دولت نیز به‌همین شکل است و خریداران این سلف‌ها می‌توانند به امید آنکه قیمت نفت در ماه‌ها و سال‌های آتی افزایش پیدا خواهد کرد، اقدام به خرید اوراق کنند و تا موعد سررسید آن که دوساله عنوان شده است به معامله اوراق در بازاری موازی مانند بازار سهام بپردازند (البته دولت سود قطعی سالیانه‌ای را برای خریداران حتی در صورت افت قیمت نفت درمقایسه با قیمت پیش‌فروش کنونی در نظر گرفته است که توضیح داده خواهد شد)، از طرفی دولت نیز مانند یک تولیدکننده از این محل تامین مالی می‌شود.

**جزئیات اولیه: نفت ۲ برابر فروش واقعی پیش‌فروش می‌شود**

هنوز جزئیات رسمی از وعده «گشایش اقتصادی» دولت منتشر نشده است. براساس پیگیری‌ها نشان می‌دهد که قرار است ۲۲۰ میلیون بشکه نفت در قالب این طرح به فروش برسد. تقسیم ۲۲۰ میلیون بشکه نفت بر تعداد روزهای سال (۳۶۵)، به‌معنی فروشی ۶۰۳ هزار بشکه در روز است. این در حالی است که بر مبنای مفروض موجود در بودجه ۹۹، دولت روی فروش یک‌میلیون بشکه‌ای نفت به‌صورت روزانه حساب باز

کرده بود. هدفی که در صورت تحقق در حدود ۱۸ میلیارد و ۲۵۰ میلیون دلار را نصیب دولت می‌کرد. از طرفی نگاه خوشبینانه به این مقدار فروش نشان می‌دهد که در صورت تحقق این امر تا به حال و با وجود گذشت ۱۴۰ روز از شروع سال جاری باید هفت تا هشت میلیارد دلار از ۱۸ میلیارد دلار در نظر گرفته‌شده تامین می‌شد که به‌گفته محمدباقر نوبخت، تنها ۶ درصد از این حجم، یعنی ۴۲۰ میلیون دلار محقق شده است. البته به این معنا نیست که میزان فروش نفت به ۶۰ هزار بشکه در روز نزول کرده است، چراکه بهای نفت نیز در ایام کرونا، با افت قابل توجهی همراه شده و نرخ فروش نفت سنگین ایران حتی تا زیر ۲۰ دلار نیز نزول کرده بود. در واقع نیروی کاهشی درآمدهای نفتی تنها افسول حجم فروش نبوده، بلکه از جناح قیمت هم درآمدهای ارزی تحت فشار قرار گرفته‌اند. البته در حال حاضر، بازار نفت تا حدودی احیا شده و بهای نفت ایران در محدوده ۴۴ دلار قرار گرفته است. اما اگر میانگین قیمت نفت در طول پنج ماه ابتدایی سال جاری را ۳۰ دلار فرض کنیم، با این اوصاف، دولت تقریباً ۱۰۰ هزار بشکه در روز فروخته است. پس برابر رقم فروش واقعی قرار است در بورس به‌فروش رسد تا دولت بخشی از عقب‌افتادگی نفتی را در ایام تحریم و کرونا جبران کند.

**۱۹۰ هزار میلیارد تومان درآمد در صورت اجرای طرح**

براساس آخرین اخبار، اوراق جدید دولتی قرار است با نرخ ارز سامانه سنا قیمت بخورد و جنس اوراق از نوع سلف موازی است. در این اوراق، شرکت ملی نفت قاعداً باید متعهد به تحویل نفت به دارنده اوراق، طرف دوسال آینده باشد یا اینکه دارنده اوراق این وکالت را به شرکت ملی نفت بدهد که نفت پیش‌خرید شده را به‌فروش برساند. اگر فرض کنیم که دولت با قیمت‌های فعلی دلار و نفت بهای اوراق را تعیین کند، ارقام بالایی به‌دست می‌آید. قیمت نفت سنگین ایران در حال حاضر در محدوده ۴۴ دلار است، و نرخ ارز در سامانه سنا نیز ۲۲ هزار تومان. اگر بر مبنای این اعداد تامین مالی صورت گیرد، ۱۹۳ هزار میلیارد تومان در طول یک‌سال آینده عاید دولت خواهد شد. این عدد تقریباً سه‌برابر با حجم اوراق بدهی دولتی است که تاکنون ۵۸ هزار میلیارد تومان از آن منتشر شده است و مابقی آن در ادامه سال عرضه می‌شود. این طرح علی‌رغم تامین مالی بسیار بالا برای دولت باید در بحث‌های نحوه و چگونگی هزینه‌کرد مورد بحث‌های کارشناسی قرار گیرد که در ادامه توضیح داده خواهد شد.

**مخالفت مجلس با آینده‌فروشی**

گفته می‌شود مجلس به‌عنوان ناظر اجرای این طرح در اصل مخالفتی با فروش نفت نداشته، اما تأکید بر انجام این کار از طریق «بورس انرژی» دارد، بنابراین این طرح نیامده دارای چالش‌های اساسی از ابعاد متفاوت است. از طرفی موضع گیری نمایندگان مجلس نیز در چند روز اخیر رابط توجه بوده است. اییاس‌نسادان در این مورد در صفحه مجازی خود نوشت: «فروش آتی نفت و بدهکار کردن دولت آینده، پیامدهای ناگوار اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نخواهد داشت که این شیوه، اتکای بودجه به نفت را تشدید و میخی بر تابوت اصلاح ساختار بودجه کشور است و به‌هم‌ریختگی بازارهای مالی را به‌همراه خواهد داشت». ازسوی دیگر محمدسعید احدیان، دستیار سیاسی و رسانه‌ای رئیس مجلس شورای اسلامی نیز در توییتی نوشت: «طرحی که تاکنون ارائه شده، اگر اصلاح نشود، صرفاً برای تامین مالی دولت است و برای مردم آورده مستقیمی ندارد.» وی تأکید کرد: «اصرار بر گشایش اقتصادی پیش از بررسی جزئیات، این گمانه را تقویت می‌کند که دولت می‌خواهد هزینه «نه به طرح کارشناسی» را بالا ببرد.» مهدی طغیانی، نماینده سختگوی کمیسیون اقتصادی مجلس در گفت‌وگو با «فرهیختگان» گفته بود: «دولت درصدد فروش اوراق سلف نفتی یا همان فروش نفت از طریق اوراق با سررسید دوساله است. این بدان معنی است که دولت نفت را به قیمت امروز از طریق انتشار اوراق با سررسید دوساله به مردم خواهد فروخت و در موعد سررسید، اوراق را (دو سال دیگر) از مردم بازخورد کرده و نفت آن را نیز از طریق بازارهای جهانی به فروش می‌رساند.» این نماینده مجلس هم تأکید می‌کند: «ایده انتشار اوراق سلف ایده‌ای در جهت تامین مالی دولت با استفاده از نقدینگی در اختیار مردم است که به‌حتم می‌تواند

ایده خوبی برای تامین مالی دولت فعلی باشد. اما از نظر ما چنین ایده‌ای برای دولت بعدی نوعی بدهی و تعهد محسوب می‌شود که احتمالاً بسیار سنگین نیز خواهد بود؛ مضاف بر اینکه دولت‌های بعدی عایدی از این تامین مالی نخواهند داشت.» علاوه بر اینها پورا براهیمی، رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس نیز روز گذشته در گفت‌وگویی تلویزیونی عنوان کرد: «برای مجلس مهم است که به‌واسطه ابزارهای مشتقه تعهدات مربوط به دولت فعلی را به دولت‌های آینده موکول نکرده و باید از طریق رونق بورس انرژی و فروش نفت و میعانات نفتی از طریق قراردادهای آتی اقدام کند.»

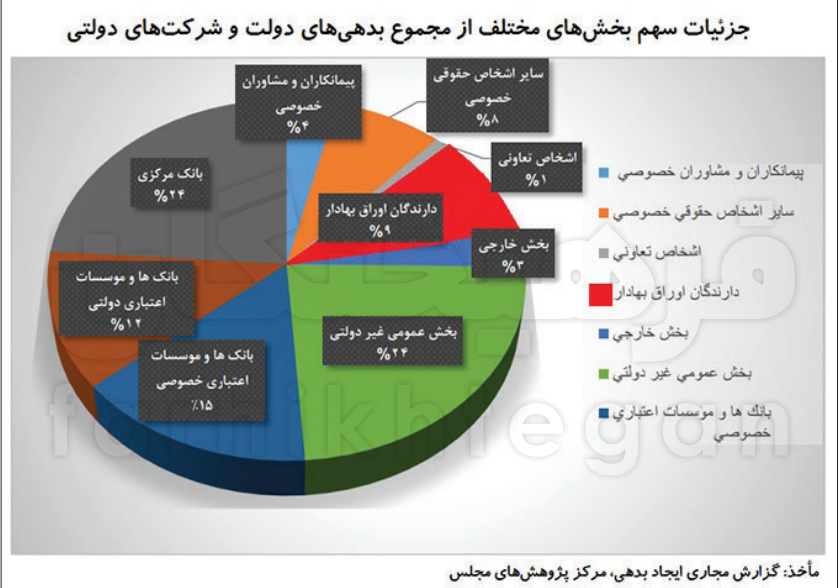
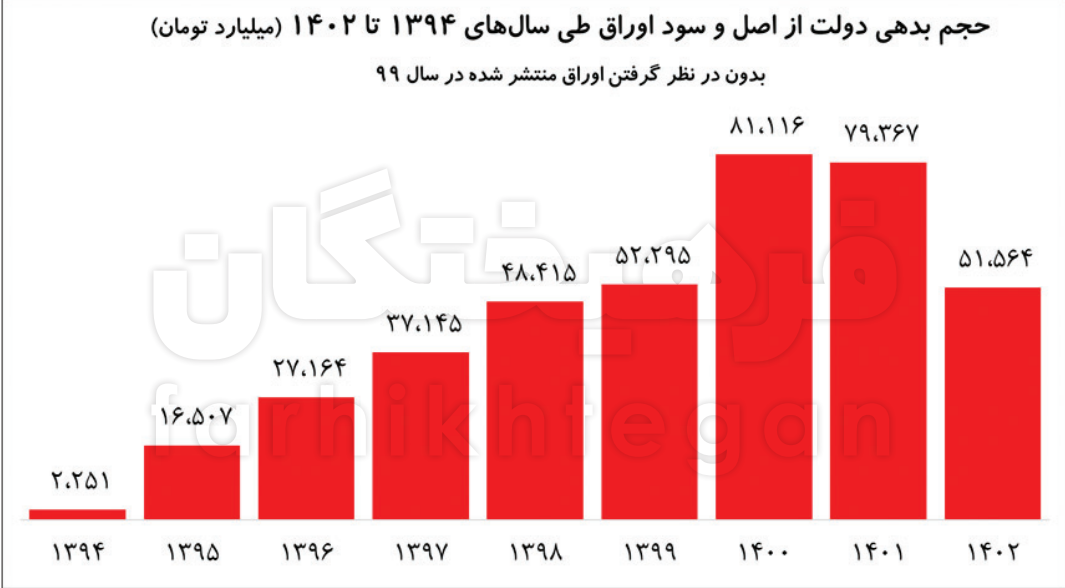
بر این اساس به‌نظر می‌رسد بزرگ‌ترین دغدغه مجلس جلوگیری از انتقال بدهی ایجاد شده در دولت فعلی به دولت آینده است. همان‌طور که گفته شد، دولت از طریق این طرح می‌تواند حدود ۱۹۰ هزار میلیارد تومان نقدینگی را جذب کند که دولت بعدی در موعد سررسید این اوراق که دوساله عنوان شده است، باید ۲۲۰ میلیون بشکه نفت را به قیمت روز بازخورد کرده و بدهی خود را با خریداران فعلی تسویه کند. هرچند این اوراق دارای سقف سوددهی هستند، اما در هر حال بدهی بسیار سنگینی را روی دست دولت آینده خواهند گذاشت. از همین رو پیشنهادات مجلسی‌ها تغییر تاریخ سررسید این اوراق در قالب قراردادهای کوتاه‌مدت‌تری بوده که بدهی ایجاد شده را متوجه دولت فعلی کند.

**۹ درصد بدهی دولت مربوط به اوراق است**

طی روز گذشته افراد مختلفی دیدگاه‌های متفاوتی را در خصوص انتشار اوراق سلف منتشر کردند. گرچه همگی این اظهارات دغدغه عدم گرفتار شدن دولت فعلی و دولت آتی در باتلاقی بدهی‌ها بود، اما در بین این اظهارات، یکی از نمایندگان شاخص و سرشناس ادوار مجلس ارقام عجیب‌وغریبی از بدهی دولت از محل فروش اوراق منتشر کرد و در ضمن آن نوشت: «دادن اوراق بهادار به‌جای سود استقراض قبلی ریج مرکبی می‌سازد که هر ساله به‌شکل تصاعدی بالا می‌رود و چه بلاهایی بر سر نسل بعدی نخواهد آورد. از خام‌فروشی به آینده‌فروشی» این گشایش نیست؛ فلاکتی است برای آیندگان. در ادامه همچنین نوشته‌اند: «دولت‌هایی که دخل‌وخرج‌شان حساب‌و‌کتاب درستی ندارد، کم می‌آورند. به‌ناچار به‌جای سود هر سال اوراق بهادار جدیدی منتشر می‌کنند و به طلبکاران می‌دهند. نتیجه آن این است که مجموع اصل بدهی و این سود، بدهی جدید را می‌سازد و باید برای کل آن سود داده شود.»

این نماینده سابق مجلس در ادامه مدعی شد: «دولت و شرکت‌های دولت تنها از فروش اوراق به مردم حداقل ۱۲۰۰ هزار میلیارد تومان بدهی دارند، که سود آن تا پایان سال ۱۳۹۸ تقریباً ۲۴۰ هزار میلیارد تومان می‌شود. دولت این سود را از کجا می‌دهد؟ عمدتاً با چاپ اوراق جدید. دولت اسمال‌اگر قرض جدیدی بگیرد، باید برای اصل و فرع اوراق گذشته به مردم ۱۴۴۰ هزار میلیارد تومان پرداخت کند.» این اظهارات اگر صحت داشته باشد، بدین معنی است که دولت در حال حاضر فقط از طریق اوراق به اندازه ۲/۵ برابر کل بودجه عمومی کشور در سال ۱۳۹۹ بدهی و تعهد به‌بار آورده و برای دولت‌های بعدی به یادگار گذاشته است. اما بررسی آمارهای ارائه‌شده ازسوی بانک مرکزی و سازمان برنامه‌بودجه کشور نشان می‌دهد ارقام ذکر شده در صفحه تویتری نماینده ادوار مجلس صحت نداشته و طبق آمارهایی که مرکز پژوهش‌های مجلس اخیراً منتشر کرده و بر آن صحت گذاشته، رقم بدهی دولت و شرکت‌های دولتی در پایان شهریور سال ۱۳۹۸ به‌ترتیب حدود ۵۰۰ هزار میلیارد تومان و ۵۲۵ هزار میلیارد تومان و در مجموع هزار و ۲۵۰ میلیارد تومان بوده است. همچنین براساس آخرین آمارهای بین‌المللی نیز نسبت کل بدهی بخش دولتی به تولید ناخالص داخلی در اقتصاد ایران چیزی حدود ۳۲ درصد است که با احتساب ۲۵۰۰ هزار میلیارد تومان تولید ناخالص داخلی کشور، رقم بدهی دولت در حدود ۷۶۸ هزار میلیارد برآورد خواهد شد. مضاف بر این، طبق آمارهایی که در نمودار هم آمده، از کل بدهی‌ها و تعهدات دولت، حدود ۹ درصد آن مربوط به تعهدات اوراق مالی است. پس تا اینجا صحبت از رقم ۱۴۴۰ هزار میلیارد تومان اصل و فرع اوراق گذشته صحت ندارد.

اما در خصوص اوراق بدهی دولتی بررسی‌ها نشان می‌دهد این



مأخذ: گزارش مجاری ایجاد بدهی، مرکز پژوهش‌های مجلس

اوراق معمولاً با سررسیدهای دو تا چهارساله ازسوی دولت در بازارهای سرمایه و پول منتشر می‌شود. براساس آمارهای بانک مرکزی طی سال‌های ۱۳۷۳ تا سال ۱۳۹۳ در حدود ۳۱۰ هزار میلیارد تومان اوراق بدهی دولتی منتشر و با توجه به گذر سررسیدهای آنها، تسویه شده‌اند. ازسوی دیگر از سال ۱۳۹۴ نیز تاکنون نیز چیزی در حدود ۲۰۴ هزار میلیارد اوراق منتشر شده که احتمالاً سررسید بخشی از آن گذشته و تسویه شده است، بنابراین با توجه به اینکه ابتدای اجرای این طرح در سال ۱۳۷۳ تا به حال تنها حدود ۵۰۰ هزار میلیارد اوراق بدهی دولتی انتشار یافته است و با توجه به سررسیدهای کوتاه و بلندمدت آنها (دو تا چهار سال) تسویه شده‌اند، با چنین آماری نمی‌توان صحت بدهی ۱۴۴۰ هزار میلیارد تومانی دولت از محل اوراق را پذیرفت. همچنین براساس آماری که سازمان برنامه‌بودجه منتشر کرده و مجموع سررسید اصل و سود بازپرداخت اوراق بهادار را تضمین دولت در سال ۱۳۹۸ حدود ۴۸/۴ هزار میلیارد تومان بوده و در سال جاری ۵۲/۲ هزار میلیارد تومان، در سال ۱۴۰۰ حدود ۸۱/۱ هزار میلیارد تومان، در سال ۱۴۰۱ حدود ۷۹/۳ هزار میلیارد تومان و در سال ۱۴۰۲ نیز ۵۱/۵ هزار میلیارد تومان البته بدون در نظر گرفتن سررسید رقم اوراق منتشر شده در سال ۱۳۹۹ خواهد بود.

**تکلیف این ۴ شرط را مشخص کنید**

به دلیل ریسک‌های موجود در اوراق سلف نفتی، برخی به‌شدت مخالف چنین راهکاری برای تامین کسری بودجه دولت هستند. از نظر آنها، دولت تعهد سنگینی را قبول می‌کند که اگر گشایش سیاسی و اقتصادی در کنار آن قرار نگیرد، دارای ریسک بالایی خواهد بود. عارضه اول این است که در صورت عدم استقبال در بورس، می‌تواند اعتبار دولت را خدشه‌دار کند. بدهکار کردن دولت آینده یا همان اصطلاح مشهور «آینده‌فروشی» دومین عارضه ایجاد شده از سوی این طرح خواهد بود؛ چراکه پیش‌فروش دو ساله نفت همه بدهی را متوجه دولت بعدی کرده و از همین رو است که عمده دغدغه مجلس تغییر زمان بندی سررسید این اوراق و کوتاه‌مدت‌تر کردن آن برای اصابت این بدهی به دولت فعلی است. عارضه سوم اما می‌تواند محل هزینه‌کرد این منابع تامین شده باشد. براساس تئوری‌های موجود بالا بودن نسبت بدهی دولت در یک کشور به تولید ناخالص آن به هیچ‌وجه ترسانک نبوده و با رعایت دوش شرط تأثیر گذار بر توسعه اقتصادی نیز خواهد بود. اول آنکه محل تامین بدهی استقراض دولت از سیستم بانکی و بانک مرکزی (چاپ پول) نباشد که در طرح پیشنهادی دولت یعنی پیش‌فروش اوراق سلف نفتی چنین نیست و محل تامین از اوراق و نقدینگی موجود در اقتصاد است. شرط دوم اما نحوه هزینه‌کرد این منابع است، در صورتی که دولت ۱۹۰ هزار میلیارد تومان از این طرح تامین مالی بشود و نتواند آن را در مسیر توسعه زیرساخت‌ها و پروژه‌های عمرانی و سازندگی در اختیار بگیرد و به نحوی اوراق افزوده جدیدی از پول خلق نشود، نتیجه‌ای به غیر از چاپ پول که همان تورم است برای اقتصاد نخواهد داشت. به‌عبارتی دیگر ترس‌ها از انتشار اوراق سلف و بدهکار کردن دولت آینده از این قرار است که دولت فعلی منابع به‌دست آمده از اوراق را صرف هزینه‌های جاری و پرداخت حقوق و مزایای کارکنان و سایر امور جاری خود کند، درحالی که موفقیت این‌گونه طرح هزینه‌آن در سرمایه‌گذاری‌های توسعه‌ای همچون ایجاد و توسعه پالایشگاه‌ها، پتروپالایشگاه‌ها، توسعه میادین نفتی و گازی و... است.

دیگر عارضه این است که در صورتی که دولت اوراق را بفروشد و از آن طرف گشایشی در درآمدهای ارزی ایجاد نشود، هزینه سنگینی متقبل خواهد شد. همان‌طور که گفته شد دولت قصد پیش‌فروش ۶۰۰ هزار بشکه نفت در روز را دارد، در نتیجه دولت باید حداقل دو برابر این حجم، یعنی یک میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه نفت بفروشد تا هم به تعهداتش پایبند باشد و هم منبعی برای باقی مخارج دولت باشد. این حجم فروش تقریباً ۱۲ برابر ارقام فعلی فروش نفت است. در نتیجه باید اتفاق جدیدی در جایگاه ایران در بازار جهانی نفت بیفتد و اگر این اتفاق نیفتد و راه صادرات و فروش نفت ایران همچنان بسته باشد و از طرفی قیمت نفت هم افزایش پیدا کند، ممکن است دولت را مجدداً به استقراض از بانک مرکزی و صندوق توسعه ملی برای انجام تعهدات خود سسوق دهد که این موضوع امر بسیار خطرناک‌تری است.